

راهکارهایی جهت پرورش ادراک موسیقایی دانش آموزان پایه ابتدایی

زهرا توکلی زاده نوقابی

دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بنت الهدی صدر شهرستان فردوس، ایران.

Zahra.tavakolizadeh.nughabi@gmail.com

چکیده

یادگیری مهارت شنیدن موسیقی، یکی از مهم ترین نیازهای دانش آموزان در عصر حاضر است. کمبل بهتر اندیشیدن و بهتر زیستن را در گرو توانایی درک مطلب، تفسیر و استنتاج از متون درسی و غیر درسی می داند. در صورتیکه شنیدن موسیقی صحیح، نیازه تفکر و درک پیام نویسنده دارد. مطمئناً واژه ها ابزارهای ضروری شنیدن موسیقی هستند. موسیقی به بچه‌ها در درک بهتر ارتباطها کمک می‌کند. با توجه به اینکه موسیقی‌گویی یکی از بهترین و مهم‌ترین راه‌های ارتباط نزدیک و تعامل سازنده بین معلم و دانش‌آموز است و استفاده از این شیوه در آموزش به ماندگاری بهتر و ارتقای کیفیت یادگیری منجر می‌شود، این نوشتار با هدف تأکید بر ضرورت احیای موسیقی‌گویی در حوزه آموزش به این موضوع مهم در باب اهمیت یادگیری از طریق موسیقی می‌پردازد. در این مقاله با استفاده از منابع موجود کتابخانه ای و میدانی و بهره گیری از مطالعات، و سندکاوی به گردآوری داده های مورد نیاز پرداخته شده و داده های گردآوری شده تجزیه و تحلیل شده است.

کلید واژگان: موسیقی، پیشرفت، یادگیری، تحصیل، دانش آموزان.

مقدمه

کودکان، تلاش‌های ابتدایی خود را برای آواز شنیدن موسیقی از هشت ماهگی هم می‌توانند آغاز کنند و از خود صداهای موسیقایی درآورند و تا دوازده ماهگی قدرت خود را برای تکرار الگوهای نواک مشخص نشان می‌دهند. تا هجده ماهگی هماهنگی بین حرکات و ریتم و توانایی تکرار فواصل ملودیک به‌خصوص (در مقابل نواک‌های تکی)، رشد می‌کند. وقتی آواز شنیدن موسیقی واقعی آغاز می‌شود، بین سال‌های دوم و سوم زندگی، ابتدا کلمات را می‌آموزد، پس از آن ریتم و سپس نواک. تا پنج سالگی، کودک صاحب رپرتواری از آوازه‌است.

اما مهم آن است که وقتی فرد واقعاً در فرایند شنیدن موسیقی درگیر می‌شود باید بر معنای فراتر از واژه تمرکز یابد تا بتواند ایده های نویسنده را بفهمد. شنیدن موسیقی یزک فرایند اسزت و یک فرایند، همواره شامل تغییر می‌باشد.

بی‌شک یکی از دلایل جذابیت پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای فرزندان و نوه‌هایشان چیزی جز موسیقی‌گویی نیست. در این میان، بوده‌اند پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که به دلیل پیری و چروکیدگی صورتشان، بچه‌ها از آن‌ها دوری گزیده‌اند اما آن‌ها با هنرمندی و ظرافت خاص، موسیقی را با ریتم و آهنگ در می‌آمیخته و به این ترتیب، رابطه عاطفی خود را با نوه‌هایشان تقویت می‌کرده‌اند. موسیقی و موسیقی‌گویی پدیده‌ای است که قدمتی طولانی دارد؛ آنچنان که هیچ قوم و ملت کهنی را نمی‌توان یافت که موسیقی‌ها و حکایت‌های مذهبی، حماسی، اجتماعی و ... نداشته باشد.

هرچند نگارنده لذت شنیدن موسیقی از زبان مادر یا پدر بزرگ را نچشیده اما جای خالی آن را با شنیدن موسیقی موسیقی‌های دیگران و گاه گوش دادن به موسیقی‌های تلخ و شیرین زندگی پدر و مادرش، که هر دو در طفولیت از نعمت داشتن پدر و مادر محروم شده بودند، پر می‌کرده است؛ موسیقی‌های پرمعنایی که در شکل‌گیری شخصیت فرزندان آن‌ها نقشی پررنگ داشته‌اند. به عقیده روان‌شناسان رشد، موسیقی تنها یک محرک روانی و شنیداری نیست بلکه کارکردهای فراوانی برای مخاطبان خود دارد. از جمله اینکه آن‌ها از طریق موسیقی با محیط پیرامون خود آشنا می‌شوند. هر موسیقی‌ای می‌تواند فضایی را به وجود آورد که بچه‌ها هنگام رویارویی با نمونه‌های واقعی، رفتاری مناسب از خود نشان می‌دهند. معلم توانمند کسی است که هنر موسیقی‌گویی را می‌داند و اگر از نقشی که می‌تواند در زندگی دانش‌آموزانش داشته باشد و سهم بالارزشی که می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز به خود اختصاص دهد واقف باشد، با موسیقی‌گویی جانی تازه به کلاسش می‌بخشد.

این تجربه‌های اولیه از شنیدن موسیقی، تأثیر بسزایی بر روند ادامه آن در طول زندگی و بزرگسالی شان دارد. این که بدانیم کودکان، شنیدن موسیقی چه چیزهایی را دوست دارند و چرا می‌خوانند؛ چه چیزهایی، چه دلایلی و چه شرایطی آنان را به سوی شنیدن موسیقی سوق می‌دهد و آنان را به خوانندگان همیشگی و وفادار تبدیل می‌کند، برای ما بسیار مهم است. شاید همه این موارد را بتوان در بررسی انگیزه‌های آنان از شنیدن موسیقی درک کرد.

2

بیان مسئله

به عبارت دیگر، دانش‌آموزان با هدف‌ها و انگیزه‌های مختلف مطالعه می‌کنند و گرچه ممکن است میزان این انگیزه‌ها در آنها یکسان نباشد، اما به طور متوسط، همه آنها انگیزه‌های مطالعه مورد بررسی این پژوهش را دارند. از طرفی، برخی از این انگیزه‌ها تحت تأثیر عواملی که بر اساس هدف پژوهش تعیین شده بودند، قرار دارند و برخی دیگر، خیر؛ به طوری که تفاوت‌های فردی ناشی از موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، جنسیت و... در انگیزه‌های مطالعه آنها تفاوت ایجاد می‌کند. بنابراین، باید در برنامه ریزی برای گروه‌های مختلف جنسی، سنی، اقتصادی، تحصیلی و... به این تفاوت‌ها اهمیت داده شود و مدنظر قرار گیرند. همچنین، عملکرد تحصیلی، توانایی شنیدن موسیقی و نوشتن دانش‌آموز، عضویت فعال وی در کتابخانه نیز با برخی از انگیزه‌ها رابطه معنادار داشتند که توجه به این موضوع نیز می‌تواند ما را هم در جهت برنامه ریزی برای انگیزه‌های مطالعه دانش‌آموزان و هم در جهت بهبود وضعیت تحصیلی آنان و بخصوص بازنگری در خدماتی که کتابخانه‌ها به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند، یاری دهد.

اهمیت و ضرورت

انسان فطرتاً به موسیقی علاقه‌مند است. همچنین، به‌طور فطری همواره به دنبال خیرخواهی و پرستش، حقیقت‌جویی، کنجکاوی و زیبایی‌دوستی بوده است و موسیقی‌ها نیز هیچ‌گاه عاری از این عناصر نبوده‌اند. با تدریس به شیوه داستان‌گویی نه تنها حس کنجکاوی و تخیل را در دانش‌آموزان بیدار می‌سازیم بلکه به درون‌مایه و زیربنای فکری و اجتماعی موضوعی که به شکل داستان تدریس می‌کنیم، توجه کرده، به این ترتیب اصول و ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی را نیز ترویج می‌نماییم. بنابراین، برای بهتر نشان دادن شیوه‌های زندگی در کنار تدریس، موسیقی و داستان بهترین وسیله است و موجب ارتقای توانایی، تفکر و تمرکز حواس می‌شود. تدریس داستان‌گونه موجب آن می‌شود که دانش‌آموز تجزیه و تحلیل بهتری داشته باشد، روابط علت و معلولی را کشف کند، استدلال‌ها را دریابد و در نتیجه، اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند. موسیقی‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند و مردم جامعه به کمک آن‌ها، تاریخ و ادبیات خود را می‌آموزند، با اسطوره‌ها آشنا می‌شوند و به ارزش‌ها و آداب و رسوم دست پیدا

می‌کنند؛ برای مثال، موسیقی‌های شاهنامه فردوسی تاریخ دلاوری‌ها و جنگاوری‌های یک ملت و دفاع از میهن بوده است. داستان‌ها و افسانه‌ها پیام‌های روان‌شناختی مهمی دارند. آن‌ها با آشنا کردن دانش‌آموزان با آنچه در ضمیر ناخودآگاهشان می‌گذرد، به آن‌ها کمک می‌کنند تا بر مشکلات روان‌شناختی رشد فائق آیند. دانش‌آموز از موسیقی‌ها می‌آموزد که چگونه شخصیت خود را رشد دهد، بحران‌هایی مثل بحران عاطفی یا استقلال‌طلبی، بحران‌های اجتماعی و حتی فرهنگی را پشت سر بگذارد و اضطراب‌های درونی‌اش را از راه موسیقی تخلیه کند. داستان‌ها به بچه‌ها می‌آموزند که مبارزه با مشکلات در زندگی اجتناب‌ناپذیر و جریان‌ی طبیعی در حیات بشری است و اگر انسان عقب ننشیند، بر تمام موانع غلبه می‌کند و در نهایت پیروز می‌گردد. دانش‌آموز به ارزش دانایی پی می‌برد و یاد می‌گیرد که شتاب‌زده عمل نکند و همه این‌ها به سلامت جامعه منتهی می‌شود. موسیقی‌ها قوانین اخلاقی، شیوه تبعیت از آن‌ها و نیز نحوه شکل‌دهی فعالانه به هویت خویش و شخصیت اخلاقی را در ناخودآگاه فراگیرندگان می‌ریزند و نوعی جهان‌بینی را ارائه می‌دهند که در آن دانش‌آموز به سمت تعالی روح سوق می‌یابد. این حرکت در گرو پیام‌ها و ارزش‌های اخلاقی‌ای است که از موسیقی برداشت می‌شود.

پژوهش‌های فراوانی در این خصوص در حال انجام است اما به صورتی که در ایران عنوان می‌گردد نمی‌توان اذعان نمود. «ویگفیلد و گاتری» (۱۹۹۵) در پروژه ای ۲ساله در مرکز ملی پژوهشی شنیدن موسیقی، با هدف ارزیابی انگیزه‌های متفاوت شنیدن موسیقی کودکان و تفاوت‌های پایه‌ی تحصیلی، زمان مطالعه و... ۱۰۵ نفر از دانش‌آموزان مقاطع چهارم و پنجم ابتدایی (۵۹ نفر از کلاس چهارم و ۴۶ نفر از کلاس پنجم، ۴۷ نفر دختر و ۵۸ نفر پسر) را در ۴ یک مدرسه ابتدایی در مرلند جنوبی بررسی کردند. ابزار پژوهش، پرسشنامه MRQ بود. تحلیل عاملی و تحلیل پایایی این پرسشنامه نشان داد جنبه‌هایی مثل شنیدن موسیقی به قصد اثر بخشی و شنیدن موسیقی به قصد چالش برانگیزی و کنجکاوی، شنیدن موسیقی به قصد لذت، شنیدن موسیقی به قصد شناخته شدن، شنیدن موسیقی به دلایل اجتماعی و رقابت، پایایی بالایی دارند و جنبه‌هایی مثل شنیدن موسیقی به دلیل اهمیت، شنیدن موسیقی به قصد نمره، تکلیف و شنیدن موسیقی به قصد اجتناب، پایایی کمتری داشتند. همچنین، تحلیل عاملی نشان داد که برخی از جنبه‌های پیشنهاد شده‌ی انگیزه‌های شنیدن موسیقی، همیشه وضوح ندارند و تا حد زیادی با جنبه‌های دیگر مرتبطند. این جنبه‌های مرتبط، عبارت بودند از: شنیدن موسیقی به دلایل اجتماعی با شناخت، اجتماعی با لذت، لذت با کنجکاوی، نمره با کنجکاوی و چالش‌برانگیزی با کنجکاوی. آنها دریافتند که دانش‌آموزان سال پنجم، بخصوص در نیمسال پاییز، انگیزه مثبت کمتری نسبت به کلاس چهارمیها برای شنیدن موسیقی داشتند. دختران نسبت به پسران، به طور کلی، انگیزه‌های بیشتری برای شنیدن موسیقی دارند و علاوه بر این، همچنین دختران نسبت به پسران در برنامه شنیدن موسیقی مدرسه بیشتر فعالند؛ هر چند این تفاوت، چندان زیاد نبود. تحلیل همبستگی نشان داد تعداد جنبه‌های انگیزه‌های شنیدن موسیقی دانش‌آموزان با میزان شنیدن موسیقی آنها در برنامه شنیدن موسیقی مدرسه رابطه دارد. بیشترین انگیزه‌های مربوط به میزان شنیدن موسیقی، شامل دلایل اجتماعی، اثر بخشی، کنجکاوی، لذت، شناخت، نمره و اهمیت بود. [۶]

پیشینه تحقیق

در دنیای پرمشغله امروز که بسیاری از دانش‌آموزان راه درست گوش کردن را نمی‌دانند، با به‌کارگیری ابزار موسیقی در تدریس راه درست گوش کردن و اهمیت سکوت را به آن‌ها می‌آموزیم. با استفاده از ابزار موسیقی در کلاس درس، دانش‌آموزان بهتر با سرمایه‌های تمدن و میراث فرهنگی میهن، آداب و رسوم و سنن جامعه خویش و جامعه جهانی آشنا می‌شوند. از راه موسیقی می‌توان سرگذشت دانشمندان، هنرمندان شخصیت‌های تاریخی و مذهبی را به نحو بسیار مفیدی برای دانش‌آموزان بیان کرد تا

سرمشق خوبی برای تلاش آن‌ها باشند؛ چون در هر سرگذشتی درس عبرتی نهفته است. برای بالا بردن روحیه همدلی و انسان‌دوستی در دانش‌آموزان از تدریس به شیوه موسیقی‌گویی استفاده کنید. حقیقت جز این نیست که دانش‌آموز وقتی درس را به شکل موسیقی می‌شنود، امکان برقراری ارتباط با بچه‌های دیگر را بهتر درک می‌کند و حس همدلی‌اش با دیگران بیشتر می‌شود. موسیقی‌گویی بهترین راه بیان آرزوها و زبان مشترک انسان‌ها برای انتقال معانی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و تاریخی است. موسیقی، پیام‌ها و ارزش‌هایی را به مخاطب منتقل می‌کند. دانش‌آموز با شنیدن موسیقی و فکر کردن به آن می‌تواند این پیام‌ها را جذب کند و ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی و انسانی را یاد بگیرد. این پیام‌ها به دلیل غیرمستقیم بودن، برای دانش‌آموزان دلنشین‌تر، جذاب‌تر و دوست‌داشتنی‌ترند. قدرت تمرکز و دقت دانش‌آموزان با موسیقی‌گویی افزایش می‌یابد. ابزار موسیقی اگر به‌درستی و به‌طور دقیق مورد استفاده قرار گیرد، بیش از هر وسیله تربیتی دیگری در رفتار بچه‌ها مؤثر است. همچنین می‌تواند ریشه بسیاری از انحرافات را در نوجوانان بخشکاند و بر آن‌ها تأثیرات تربیتی داشته باشد. فلسفه روزهای خاص مثل نوروز، جشن‌ها، عیدها و ... را در کلاس به شکل موسیقی بیان کنیم و از این طریق دانش‌آموزان را هرچه بیشتر و بهتر با فرهنگ ملی ایرانی آشنا کنیم. با تدریس به کمک داستان‌گویی، روح خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. به این ترتیب، می‌توانیم از آن‌ها نیز بخواهیم که یکی از موضوعات کتاب درسی را انتخاب کنند و با استفاده از ابزار موسیقی و هماهنگ با یکدیگر، آن را به شکل کنفرانس در کلاس ارائه دهند. در اینجاست که آن‌ها همه تجارب موسیقی را در گنجینه ذهنشان می‌ریزند و تأثیرگذاری موسیقی به خوبی حس می‌شود. زیباترین موسیقی‌ها از طریق هنر نقاشی قرن‌ها پیش روی دیوار غارهای کهن ترسیم شده است و این، علاقه بشر را به توصیف سرگذشت خود نشان می‌دهد. همچنین، راه‌های بهتر زندگی کردن و شیوه‌های زندگی بهتر را می‌آموزد. از جمله ارزش‌های اخلاقی که فرد در موسیقی‌ها پیدا می‌کند، می‌توان به مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، قانع بودن، فداکاری، امید، شجاعت، عشق به پدر و مادر، عدالت و انصاف، روح انسان‌دوستی و نوع‌پروری، عزت‌نفس، انسانیت، حقیقت و فروتنی اشاره کرد. (مجلسی، ق ۱۴۰۳)

بور در پژوهشی با عنوان یادگیری وب محور، ابعاد تفاوت‌های فرهنگی به بررسی این سوال می‌پردازد که چگونه تمایزات فرهنگی، طرز تلقی دانش‌آموزان را از یادگیری وب محور تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ نتایج نشان داد که یادگیری وب محور بین دانش‌آموزان آسیایی و انگلوساکسون (استرالیا، انگلیس، ایرلند شمالی، نیوزلند و اسکاتلند) محبوب است. هر دو گروه یادگیری وب محور را ایده‌ای نوین و ابداعی برای تسهیل در امر آموزش میدانند. دانش‌آموزان انگلوساکسون با خیال آسوده‌تر و اطمینان بیشتری از مواد وب محور استفاده می‌کنند و به لحاظ میزان دسترسی به امکانات اینترنتی، دانش‌آموزان انگلوساکسون در صدر قرار دارند. دانش‌آموزان آسیایی رویکرد معلم محور را بیش از دانش‌آموز محور ترجیح می‌دهند. مورنو در پژوهشی به مقایسه بین عملکرد و موفقیت دانش‌آموزان در دوره‌های مبتنی بر وب در مقابل عملکرد و موفقیت آنها در کلاس سنتی پرداختند. در این پژوهش طی مراحل نمرات دانش‌آموزان در سه آزمون ثبت شد و نتایج نشان داد بین موفقیت و عملکرد دانش‌آموزان در کلاسهای سنتی و اینترنتی تفاوت‌های اندکی وجود دارد. اما نه به این معنا که معلمان بازنشسته شوند و یا در خانه‌هایشان به آموزش کلاسهای مجازی بپردازند، هنوز معلمان به عنوان مؤلفین برنامه‌های درسی و همچنین تسهیل‌کنندگان یادگیری هستند و آموزش الکترونیکی آموزش کارآمدی است. [۴]

وظیفه معلمان در فرایند تدریس تنها انتقال واقعیت‌های علمی به دانش‌آموزان نیست بلکه باید موقعیت و شرایط مطلوب یادگیری را فراهم نمایند و چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به شاگردان بیاموزند؛ یعنی کار معلم نه تنها انتقال دانش، بلکه پرورش توان تفکر منطقی و پرورش شخصیت سالم است (احقر، ۱۳۸۳).

معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری، قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست اما تا حدی می‌تواند با تعیین هدف‌های صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روش‌های مناسب تدریس و تهیه و به‌کارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با شاگردانش، کیفیت تدریس خود را دست‌خوش تغییر و تحول و پیشرفت کند (سیف، ۱۳۸۷). با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که در ارتباط با ضرورت تدریس علوم تجربی به ویژه در دوره ابتدایی وجود دارد، اهمیت پرداختن به بحث و پژوهش درباره روش‌های تدریس علوم تجربی در دوره ابتدایی و نقش آن در پرورش شناخت علمی کودکان آشکار می‌شود (تجری، ۱۳۸۶). اهمیت ثمربخشی روش‌های تدریس و یادگیری بهتر همواره مورد نظر دانشمندان و محققین علوم تربیتی بوده است. تاریخچه مطالعات نشان می‌دهد روش‌های تدریس چه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و چه در ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و رشد خلاقیت آنان و موثر است. روش‌های تدریس به منزله روش‌نمایی‌های متفاوتی هستند که هر کدام بردشان تا شعاع خاص را دربرمی‌گیرند. البته باید اذعان نمود که هر یک از روش‌ها در ارتباط با موقعیت‌های مختلف از کار آبی و ویژه‌ای برخوردار هستند، به عبارت دیگر هر یک در جای خویش مثمر ثمر هستند. (فورچیان، ۱۳۷۷). امروزه شیوه‌های نوین و فعال تدریس توجه مسئولان و دبیران را به خود جلب کرده است. در این شیوه‌ها فراگیر و علایق و توانمندی‌های او در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش می‌کند تا توانایی‌های فراگیران را در مهارت‌های گوش دادن گفتن، شنیدن موسیقی، نوشتن، استدلال، مقایسه، تطبیق، تجزیه و تحلیل، سازندگی و خلاقیت تقویت کند و با توجه به این موضوع محتوای درسی را در کلاس‌های درسی ارائه می‌دهد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۷).

در بسیاری مواقع شاید این دور از واقعیت نباشد که نه معلم می‌داند محتوایی را چرا باید درس بدهد و نه دانش‌آموز چرایی را انتخاب محتوا را می‌داند نه معلم می‌داند محتوا را به چه روش صحیح و سودمندی تدریس نماید و نه دانش‌آموز چگونه یادگرفتن را می‌داند، معلم صرفاً درس می‌دهد و فراگیران نیز به طور موقتی حفظ می‌کنند، ما فقط یاد گرفته‌ایم درس بدهیم و دانش‌آموزان نیز آموخته‌اند که تنها حفظ نمایند و چون و چرا مطالب را از ما بپذیرند (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). آیا معلم به طور معمول، پیش از تدریس ارزیابی می‌کند که هدف از تدریس این مطالب چیست؟ و آیا از خود می‌پرسد این محتوا چگونه باید تدریس شود؟ یا فقط به طور یکنواخت به روش حفظی به یادگیری طوطی‌وار می‌پردازد. متن آموزشی که در اختیار همه قرار دارد، اما چگونگی تدریس مهم است. موفقیت معلم در استفاده از شیوه‌های فعال تدریس است. به اعتقاد محقق، شیوه فرایند یاددهی - یادگیری از خود موضوع درسی مهم‌تر است.

کارایی روش‌هایی نظیر سخنرانی، انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموز و به یادسپاری و تأکید بر محفوظات که شالوده روش‌های سنتی تدریس است مدت‌هاست مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸). از نتایج پژوهش حاضر می‌توان در دوره‌های ضمن خدمت آموزش معلمان، در تدریس درس روش و فنون تدریس در مدرسه‌ها و مراکز تربیت معلم استفاده نمود. به‌کارگیری این روش‌ها حتی به صورت کارگاهی در آموزش معلمان منجر به بهبود کیفیت تدریس می‌شود.

از دیدگاه دینی، تربیت، شکوفاسازی استعدادها و توانمندی‌های فطری است و هرگونه فعالیت‌هایی که انبیاء، معلمان، والدین و یا هر شخص دیگری به منظور سازی شکوفا استعدادها فطری از طریق گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر میانجام دهند و اهداف از پیش معین شده الهی را از خلقت انسان تحقق بخشند، می‌تربیت محسوب می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۸۶)

فرضیات تحقیق:

اصلاح رفتارها: موسیقی‌ها با بیانی غیرمستقیم کودک را به اصلاح رفتار دعوت می‌کنند. چون در موسیقی‌ها همسان سازی و انطباق با قهرمان یا قهرمانان موسیقی فراهم می‌شود. بنابراین اصلاح رفتار طبیعی‌تر، سریع‌تر و بهتر اتفاق می‌افتد

تقویت خلاقیت: کودکان پس از شنیدن داستان، گاه خود به داستان‌گویی می‌پردازند یا با اسباب بازی‌های خود داستان را نمایش می‌دهند یا با دخل و تصرف به تغییر بخشی‌هایی از داستان می‌پردازند و بنا به علاقه و دنیای خاص خود نام‌ها یا صفحه‌ها و حوادث داستان را تغییر می‌دهند. گاه نیز رفتارهای بدیع و مبتکرانه در کودک دیده می‌شود که محصول موسیقی‌های شنیده یا خوانده و یا دیده شده است. تحریک قوه ابتکار در کودک.

تقویت حس کنجکاوی: موسیقی‌ها به دلیل زنجیره حوادث، کودکان را وادار می‌کنند که به تعقیب حوادث بپردازند و یا آنچه را که در موسیقی شنیده در دنیای بیرون جستجو کنند. در یک موسیقی علمی به خوبی می‌توان زمینه کنجکاوی در بیرون را فراهم کرد.

زبان آموزی: موسیقی‌ها، کودک را با واژه‌ها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و... آشنا می‌سازند به همین دلیل موسیقی‌ها نقش مهم و جدی در زبان آموزی ایفا می‌کنند. در کنار موسیقی‌گویی می‌توان از کودک خواست تا کلمه یا کلماتی را تکرار کند یا مثلاً بگوید که قهرمان از کجا حرکت کرده نامش چه بوده، چه چیزی دیده، چه گفته و... کمک به پرورش قدرت بیان و عواطف و افکار کودکان

عامل اجتماعی: اگر کودکان در جریان موسیقی فعال باشند و حتی بعد از گفتن موسیقی از آن‌ها درخواست شود که موسیقی را تعریف کنند، زمینه‌ای فراهم خواهد شد که با برقراری ارتباط بین سخن گفتن و بیان احساسات، شیوه‌های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. این شیوه به ویژه برای کودکان خجالتی و انزوا طلب بسیار کارساز است.

پیوند فرهنگی: موسیقی‌ها عامل انتقال میراث فرهنگی، موسیقی‌ها پلی هستند که کودکان امروزی را به ژرفای گذشته برده و نوعی آموزش تاریخی نیز مجسوم می‌شوند. پژوهش‌های متعدد نشان داده که تاثیر موسیقی و آواز و موسیقی درمانی بر کاهش اضطراب در کودکانی که اختلال اضطراب دارند، همچنین در بهبود تعاملات اجتماعی کودکان مبتلا به اتیسم، کاهش پرخاشگری کودکان پیش دبستانی و افزایش هوش کلامی آنها موثر واقع بوده است.

بحث و نتیجه گیری

همه می‌دانیم سرانۀ مطالعه در ایران، بالا نیست. ما در مقایسه با کشورهای پیشرفته، به طور حتم، زمان کمتری برای شنیدن موسیقی و مطالعه صرف می‌کنیم. علت هر چه که باشد، کتاب، کتابخانه، کتابدار، قیمت، کیفیت، دسترس‌پذیری، ...، نقش خود انسان در این رابطه فراموش نشدنی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این احتمال هست که هدف‌ها و انگیزه‌های ما برای مطالعه چندان قوی نیست؛ زیرا اگر انسان به ضرورت و فایده‌ی یک امر آگاه شود، عوامل بیرونی، نمیتواند نقش چندان مؤثری در رفتار وی داشته باشد. در این مرحله کودک دوست دارد تا از صداها تقلید کند و با موسیقی حرکت کند. پدر و مادران نباید از اینکه کودک یک آواز را خارج بخواند یا ضرب مناسب را حفظ نکند نگران شوند.

این‌ها قدرت‌هایی هستند که بعدها رشد خواهند کرد. رشد موسیقی در کودکان می‌تواند به وسیله شنیدن انواع موسیقی به‌خصوص موسیقی زنده و موسیقی‌هایی که کودک دوست دارد تقویت شود. بازی‌های با موسیقی هم که شامل هم آواز شنیدن موسیقی و هم حرکت باشد، در همین جهت مؤثر است.

در این مرحله کودکان همچنین می‌توانند از وسایل با ریتم ساده استفاده کنند. مانند زدن روی طبل یا سازهای کوبه‌ای دیگر، تکان دادن ماراکس واقعی یا خانگی (نوعی جفجغه) و به صدا درآوردن بلز. برای کودکان در این مرحله می‌توان در تمام مدت روز، چندین بار آواز خواند حتی در درون اتومبیل.

کودکان پیش‌دبستانی می‌توانند بازی‌های زیر و بمی صوتی را انجام دهند و آغاز به شناسایی صدای سازهای مختلف کنند و با عکس‌های آن‌ها تطبیق دهند. اگر در منزل پیانو وجود داشته باشد می‌توانند با آن آغاز به تمرین کنند. بازی‌هایی که شامل دست زدن و حرکت هنگام موسیقی است و با حرکت موسیقی جلو می‌رود و می‌ایستد، در این سن بسیار محبوب هستند. در جریان یاد گرفتن و تسلط بر آوازها که در آن شعرخوانی فردی و آواز جمعی پشت سر هم می‌آیند، کودک به فرم‌های موسیقی آگاهی می‌یابد. کودکان پیش‌دبستانی همچنین می‌توانند حکایات کوچک درباره آهنگسازان و آهنگ‌های آن‌ها یاد بگیرند. رویکردهای گروهی سیستماتیک مختلف برای آموزش موسیقی، که همگی از خارج آمده‌اند، در مقطع پیش‌دبستانی آغاز می‌شود.

از رویکردهای موسیقی می‌توان به کودکان و نوجوانان کمک کرد تا موسیقی‌های زندگی مثبتی برای خودشان بسازند موسیقی‌هایی که بر شکل‌گیری هویت آنها تأثیر مثبت دارد. بنابراین براساس نتایج بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بکارگیری روش موسیقی‌گویی با توجه به جذابیت آن برای کودکان می‌تواند در سرعت بخشیدن و ارتقاء هوش اجتماعی کودکان کمک زیادی بکند موضوع موسیقی و چگونگی اجرای موسیقی‌گویی و همچنین نتایج اجتماعی، تربیتی و اخلاقی حاصل از آن می‌تواند در سرعت بخشیدن به هوش اجتماعی تأثیر گذار بوده و با استفاده از روش‌های موسیقی‌گویی که علاوه بر سرگرمی دارای محتویات علمی، آموزنده و توانایی برقرار کردن ارتباط با دیگران است؛ می‌توانند به افزایش هوش اجتماعی دانش‌آموزان در سطوح چهارم و پنجم ابتدایی منجر شود زیرا در این سن و با برگزاری چنین جلسات تفریحی- سرگرمی توأم با مسائل آموزشی می‌توان شاهد تقویت برقراری ارتباط در بین دانش‌آموزان بود. بنابراین بعد از اجرای موسیقی گویی در ده جلسه توسط محقق و با رعایت فاصله‌های زمانی، این نتیجه دریافت شد که دانش‌آموزان بعد از اجرای موسیقی‌گویی هوش درون فردی و برون فردی آنها نسبت به قبل از آزمون بالا می‌رود و بعد دریافت پیام موسیقی‌ها حس همکاری، همفکری، تبادل افکار، اعتماد به نفس، صداقت - ارتباط درست با دیگران، خلاقیت، توانایی اتخاذ تصمیم هوشمندانه، ابراز علاقه به هم نوعان، قبول مسئولیت و پذیرش انجام کارهای خود و روحیه نقدپذیری داشتن، توانایی حل مشکلات دیگران، تأثیر گذار و محبوب بودن، از تجربه‌ی بزرگ‌ترها استفاده کردن، کنترل خشم در موقعیت‌های مختلف - تقلید نکردن از دیگران، نباختن خود در موقعیت‌های سخت، رعایت نظم و مقررات اجتماعی، بالا بردن روحیه‌ی اراده و تلاش آنها افزایش یابد.

مطالعه، فرآیند پیچیده است که خواننده پیامی را که به وسیله نویسنده رمزگذاری شده را با زبان تصویری نوشتاری بازسازی می‌کند. در فرهنگ فارسی معین برای تعریف مطالعه این عبارت ها می باشد:

- به دقت نگرستن به چیزی برای وقوف به آن

- شنیدن موسیقی کتاب یا نوشته ای و فهمیدن آن

- نگرش در چیزی برای وقوف به آن

- قرائت نوشته ای برای درک آن [۸]

بنابراین مطالعه یعنی نگرستن و دقت نظر در چیزی برای فهمیدن و آگاهی یافتن از آن است. به همین دلیل مطالعه با نگرش، دقت، فهم و آگاهی همراه است. در تعریف دیگری گفته شده است: مطالعه روندی برای به کارگیری ذهن و دریافت اطلاعات است. که این فرآیند شامل خوب دیدن، خوب شنیدن و لمس کردن و چشیدن، تجربه کردن و جست و جوی پاسخ‌ها می باشد.

در فرهنگ معین برای مطالعه این تعریفها آورده شده است:

- ۱) به دقت نگرستن به چیزی برای وقوف به آن،
- ۲) شنیدن موسیقی کتاب یا نوشته ای و فهمیدن آن،
- ۳) نگاه در چیزی برای وقوف به آن،
- ۴) قرائت نوشته ای برای درک آن. [۷]

در واقع ملاک، تأثیر عمل شنیدن موسیقی بر خواننده است که مطالعه را از غیر آن متمایز میکند. با این تعریف مطالعه منابع علمی و درسی، مصادیقی برای مطالعه به شمار خواهند رفت؛ چراکه فرد از مطالعه منابع درسی و علمی به درک معنا و آگاهی میرسد. از سوی دیگر در دفاع از احتساب منابع درسی به عنوان یکی از مصداقهای مطالعه، اینگونه میتوان استدلال کرد که منابع درسی (بویژه در ایران) مجموعه ای برگرفته از سایر منابعی است که ما آنها را در زمره منابع غیردرسی تلقی میکنیم. به عبارت دیگر منابع درسی منابع گزیده و منتخبی از سایر منابع است که برای هدفهای آموزشی انتخاب و در قالب یک کتاب برای مخاطب مشخص تدوین شده‌اند. بنابراین منطقی به نظر نمیرسد بخواهیم مطالعه منابع درسی را که در بسیاری از موارد بسان سایر منابع غیردرسی است، به صرف جنبه تکلیفی آن در شاخص مطالعه لحاظ نکنیم. البته اگر جنبه تکلیفی و آزاد بودن آن قابل اهمیت است این مشکل را می توان با تقسیم مطالعه به اجباری یا تکلیفی در مقابل مطالعه آزاد یا داوطلبانه برطرف کرد. در این تقسیم بندی هر دو قسم آن مطالعه محسوب میشود، ولی از نقطه نظر اختیار قابل تفکیک است. این جداسازی در گزارشهای سرانه مطالعه می تواند با دو معیار میانگین مطالعه تکلیفی و آزاد ارائه شود. آشکار است که ندیده گرفتن کلیه مصداقهای شاخص مطالعه به روایی سرانه مطالعه لطمه خواهد زد و تفسیر و تحلیل آن را دچار مشکل میکند؛ به طوریکه در بررسیهای تطبیقی، مقایسه میانگین مطالعه در سطح ملی و به ویژه در سطح جهانی چالش انگیز خواهد بود. [۸]

فهرست منابع و ماخذ تحقیق:

- ۱) استیگر، رالف سی (۱۳۷۷) راه های تشویق به مطالعه؛ ترجمه پروانه ستوده، تهران: هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور.
- ۲) پری رخ، مهری، سمیه صیادی فر و محبوبه آستانه، (۱۳۸۲) موانع مطالعه آزاد حرفه ای در دانشجویان رشته کتابداری، فصلنامه کتاب، دوره چهاردهم، شماره اول.
- ۳) پرلز PIRLS (۲۰۰۱)، تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۴) اربابان اصفهانی، مرضیه و قافله کش، مینا. (۱۳۸۵) استفاده از موسیقی در فرآیند مشاورهای به منظور دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت. مقالات برگزیده موسیقیگویی، نهمین جشنواره موسیقی گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۵) بازان، تونی. (۱۳۸۴) نیروی نبوغ اجتماعی، ترجمه: حورزاد صالحی، تهران: انتشارات پل. جمالزاده، محمد. (۱۳۹۰) موسیقی گویی و نمایش خلاق و تأثیر آن بر تربیت کودکان (چاپ اول).
- ۶) خانجانی، علی. (۱۳۹۰) هنر موسیقی گویی (چاپ اول). تهران: کانون چاپ.
- ۷) خلیلزاده، احد. (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین هوشاجتماعی با رضایت شغلی مدیران مستقل شهرستان های چاپاره، پلدشت و چالدران، در سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸
- ۸) میرزایی، علی؛ نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، انتشارات مدرسه، تهران ۱۳۷۰
- ۹) هراتی، محمدمهدی؛ تعلیم هنر برای معلم، انتشارات کتب درسی تهران ۱۳۶۷.

- ۱۰) عزیزاده، حسین؛ پیامبر تربیتی سیره (ص) و اهل فرزند تربیت (ع)، بیت، قم ۱ جلد اول پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۱) حکیم، سید محمدتقی (۱۳۸۶)، یامبرپ یامپ دفتر نشرقم:، فرهنگ اسلامی.
- ۱۲) حکیمی، محمدرضا و همکاران (، ۱۳۸۰) الحیاة، ترجمه احمد آرام، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۳) دیانی، محمد حسین (۱۳۶۵) کتاب و کتابخوانی در ایران، کیهان فرهنگی.
- ۱۴) قریشی، زهره (۱۳۸۳) بررسی نظر دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد درباره شنیدن موسیقی به قصد یادگیری، شنیدن موسیقی به قصد لذت، شنیدن موسیقی به قصد تصمیم‌گیری و دو اصل «معقول اندیشی» و «کمترین کوشش»، پایاننامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۱۵) کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۳) بررسی اجمالی نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد شنیدن موسیقی
- ۱۶) خان آبادی، ه.، طالع پسند، س.، و رحیمیان بوگر، ا (۱۳۹۳) تأثیر الگودهی ویدئویی بر مهارتهای ارتباطی و رفتارهای چالش برانگیز کودکان ۱ تا ۴۴ سال. فصلنامه کودکان استثنایی.
- ۱۷) رضایی، س.، والرئ لواسانی، م (۱۳۹۵) رابطه مهارتهای حرکتی با مهارتهای اجتماعی و رفتارهای چالشی. نشریه روانشناسی افراد استثنایی.
- ۱۸) شریفی درآمدی، پ (۱۳۸۵) دیدگاه‌ها، ارزیابی، مواد و راهبردها در آموزش و پرورش. اصفهان: انتشارات سپاهان.
- ۱۹) کاسه چی، مسعود (۱۳۹۰) روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه غربالگری. پایان نامه کارشناسی ارشد کاردرمانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۲۰) معین، محمد (۱۳۷۷)؛ فرهنگ فارسی. تهران: نشر سپهر.